

تحلیل گفتمان سایت خبری بی‌بی‌سی فارسی در پوشش اخبار

«کاهش تعهدات برجامی ایران»

حسن قاسمی^۱، لیلا نیرومند^۲ آنی میرزاکحانیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱

چکیده:

یک سال پس از خروج آمریکا از توافقنامه برجام، شورای عالی امنیت ملی ایران با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد اجرای برخی اقدامات در چارچوب این تعهدنامه را متوقف می‌کند. سالیته‌های خبری گوناگون که به پوشش اخبار مربوط به ایران می‌پردازند، در راستای مواضع و بر اساس گفتمان خود، اخبار کاهش تعهدات برجامی ایران را پوشش دادند که هدف این پژوهش تحلیل گفتمان سایت خبری بی‌بی‌سی فارسی در پوشش اخبار «کاهش تعهدات برجامی ایران» است. تحلیل گفتمان با بهره از رویکرد گفتمان کاوی ون‌دایک، روشی است که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. شروع بازه زمانی پژوهش، از روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ و پایان بازه زمانی مورد مطالعه ۲۰ آبان ماه ۱۳۹۸ است. متون مورد مطالعه ۹ خبر از از بین ۱۲۲ خبر منتشر شده در بی‌بی‌سی فارسی، در بازه زمانی مورد مطالعه است و به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد گفتمان ایران هراسی، گفتمان غالب در متون خبری بی‌بی‌سی فارسی است. دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای هدف ایران از فعالیت‌های هسته‌ای معرفی می‌شود و نگرانی اروپا و سایر طرف‌های برجام از نقض برجام توسط ایران مورد تاکید قرار می‌گیرد. بی‌بی‌سی در عین حالی که به مقصر بودن آمریکا معترف است اما این تقصیر را برجسته نمی‌کند و تلاش می‌کند ایران را نقض‌کننده اصلی برجام معرفی کند. آنچه مشهود است گفتمان امپریالیسم جهانی بر بی‌بی‌سی فارسی مسلط است و آمریکا به عنوان یک ابرقدرت که کشورهای دیگر در برابر او دست بسته و ناچار هستند، پذیرفته شده است.

واژگان کلیدی:

بی‌بی‌سی فارسی، پوشش خبری، برجام، کاهش تعهدات، تحلیل گفتمان

* این مقاله بر اساس نظر گروه دبیران و سردبیر فصلنامه، پژوهشی است.

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، گروه علوم ارتباطات، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران.
Hasan.E.Ghasemi@Gmail.Com

۲. استادیار گروه علوم ارتباطات، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(نویسنده مسئول).
Ln_Niroomand@Yahoo.Com

۳. استادیار گروه علوم ارتباطات، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Ani.Mirzakhaniaan@Gmail.Com

در سال‌های اخیر یکی از موضوعاتی که مورد توجه شبکه‌های خبری مختلف در سراسر دنیا بوده است، توافق هسته‌ای بین ایران و کشورهای ۵+۱، با عنوان برنامه جامع اقدام مشترک یا همان «برجام» است. پس از آن که در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا رسماً از برجام خارج و بازگشت تحریم‌ها علیه ایران را اعلام کرد، بار دیگر توجه رسانه‌ها به این موضوع دوچندان شد و همگان منتظر پاسخ ایران به این اقدام آمریکا بودند. انتظاری که حدود یک سال به طول انجامید و در نهایت مقامات ایرانی پس از صبری یک‌ساله و زمانی که از اقدامات اروپا ناامید شدند، تصمیم گرفتند تعهدات برجامی خود را کاهش دهند. تصمیمی که با واکنش‌های متفاوتی روبرو شد و حساسیت رسانه‌ها را به موضوع برجام بیش از پیش کرد.

نظر به تقابل دیرینه ایران و کشورهای غربی و با توجه به تلاش کشورهای گوناگون و گروه‌های داخلی برای برقراری توافقی اولیه بین ایران و غرب و درحالی‌که عده‌ای نیز از ابتدا مخالف انجام این توافق بوده و اعتماد به آمریکا و کشورهای اروپایی را امری غلط می‌پنداشتند، بازنمایی واقعیت‌های مربوط به برجام، بر داوری عمومی درباره علت‌های اختلاف ایران و کشورهای ذکر شده تاثیر می‌گذارد؛ و چون این بازنمایی‌ها بر اساس گفتمان رسانه‌هایی است که اخبار برجام را پوشش می‌دهند، یک سؤال مطرح می‌شود و آن اینکه در موضوع برجام و در پی آن کاهش تعهدات برجامی ایران، گفتمان هر رسانه چیست؟

برای یک رسانه، شناخت و آگاهی از گفتمان رسانه‌های رقیب، اهمیت دارد. چون به آن رسانه کمک خواهد کرد تا با شناخت بیشتر و آگاهی بهتر از رقبای رسانه‌ای خود، سیاست‌های رسانه‌ای بهتری را در نظر بگیرد. بنابراین پژوهش پیش رو به صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و سایر رسانه‌های داخلی برای شناخت و آگاهی از مواضع رسانه‌های رقیب کمک می‌کند.

ما در این پژوهش تلاش کرده ایم گفتمان سایت خبری بی‌بی‌سی فارسی بهتر بشناسیم، این رسانه یک نمونه از رسانه‌هایی است که خبرهای کاهش تعهدات برجامی ایران را پوشش

می‌دهد؛ لذا کوشش شده است تا به این پاسخ برسیم که گفتمان خبری سایت خبری بی‌بی‌سی فارسی در پوشش اخبار با محوریت «کاهش تعهدات برجامی ایران» چیست؟ علت انتخاب سایت مذکور این است که به نظر می‌رسد این سایت به‌عنوان نمونه‌ای از رسانه‌های کشورهای غربی است که به پوشش اخبار مربوط به ایران و به‌ویژه اخبار برجام می‌پردازد و به‌نوعی معرف مواضع اروپایی‌ها در این موضوعات است و از طرفی به‌عنوان رقیب جدی برای رسانه‌های داخلی و مخصوصاً صداوسیما جمهوری اسلامی ایران است و تعداد قابل توجهی مخاطب در بین مردم ایران دارد. لذا آنچه ما را به انجام این پژوهش واداشته است این است که بر اساس عملکرد رسانه‌های داخلی و در نتیجه اقبال مردم به رسانه‌های خارجی مخصوصاً بی‌بی‌سی فارسی مجاب شدیم تا گفتمان این رسانه‌ها را بشناسیم تا با شناخت گفتمان این سایت به تقویت رسانه‌های داخلی در پاسخگویی به مخاطبان و گفتمان‌سازی صحیح در این موضوع کمک کنیم.

شروع بازه زمانی که این پژوهش مورد بررسی قرار می‌دهد، از روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ و یک سال پس از خروج یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا از برجام است. زمانی که شورای عالی امنیت ملی ایران با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد این کشور بر اساس بندهای ۲۶ و ۳۶ برجام، اجرای برخی اقدامات در چارچوب این تعهلمانه را در چند گام متوقف می‌کند؛ و پایان بازه زمانی مورد مطالعه ۲۰ آبان ماه ۱۳۹۸ خواهد بود، یعنی چند روزی پس از گام چهارم کاهش تعهدات برجامی ایران.

پیشینه پژوهش

در گذشته پژوهش‌های داخلی و خارجی دیگری در زمینه نحوه پوشش اخبار ایران و منطقه خاورمیانه، در رسانه‌های غربی صورت گرفته است. این پژوهش‌ها به ما در دستیابی به هدف مقاله کمک می‌کند که اکنون آن‌ها را مرور خواهیم کرد.

احمد شیرزادیان در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه صداوسیما با عنوان «مقایسه نحوه پوشش اخبار خروج آمریکا از برجام در وب‌سایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان» در سال ۱۳۹۸ به بررسی اخبار خروج آمریکا از برجام که زمینه‌ساز کاهش تعهدات

برجامی ایران بود پرداخته است. وی در این پژوهش به این مطالب دست یافته است که با خروج آمریکا از توافقنامه برجام هر کدام از وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان برای پوشش خبری این رویداد، در میدان تقابل دیدگاه‌ها، چارچوب‌ها، اولویت‌های رسانه‌ای، فضای حاکمیتی و فرهنگی کشور متبوع خود قرار داشته و حجم زیادی از اطلاعات را به صورت قاعده‌مند، مطابق با ظرفیت‌های روزنامه‌نگاری آنلاین و در راستای خط‌مشی رسانه‌های خود به مخاطبان عرضه کرده‌اند. نتایج پژوهش مذکور نشان داده، هر دو وبسایت پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان موضوع خروج آمریکا از برجام را بیشتر از نگاه سیاسی انعکاس داده‌اند. جهت‌گیری وبسایت پرس‌تی‌وی بیشتر منفی و جهت‌گیری وبسایت سی‌ان‌ان بیشتر خنثی بوده است. هر دو وبسایت ارزش خبری شهرت و مقامات رسمی کشور متبوع خود را در اولویت برجسته‌سازی قرار داده‌اند که نشان می‌دهد با انعکاس صدای مقامات رسمی کشور متبوع خود در این راستا خدمت سیاسی انجام داده‌اند. برجسته‌ترین موضوع در وبسایت پرس‌تی‌وی موضوع پایبندی اروپا به برجام (به میزان ۲۸.۷ درصد) و در وبسایت سی‌ان‌ان موضوع اقدام غیرقانونی و اشتباه ترامپ در خروج آمریکا از برجام (به میزان ۳۰.۸ درصد) بوده است. هر دو وبسایت، اخبار را بیشتر با لحن تنش‌زا و بار معنایی القایی و تبلیغی انعکاس داده‌اند. از آنجاکه این پژوهش نیز به نحوه پوشش اخبار خروج آمریکا در رسانه‌های خارجی و داخلی پرداخته است با اهداف پژوهش ما مشابهت دارد و تلاش شده است از نتایج این پژوهش استفاده شود.

معصومه اسماعیل نژاد در مقاله‌ای که در سال ۱۳۹۹ با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی سیاست‌گذاری ارتباطی بی‌بی‌سی فارسی» در فصلنامه «مطالعات میان رشته‌ای در رسانه و فرهنگ» با همکاری علی‌اکبر فرهنگی، محمد سلطانی فر و عباس عباس پور به چاپ رسانده است به بررسی سیاست‌گذاری‌های بی‌بی‌سی فارسی پرداخته است که در پی این پژوهش در نهایت سه سطح سیاست ارتباطی در بی‌بی‌سی فارسی شناسایی کرده است: سیاست‌های ارتباطی کلان (کل مجموعه بی‌بی‌سی) مانند استراتژی شفاف‌سازی، بی‌طرفی و اطلاع‌رسانی درست و به هنگام، سیاست‌های ارتباطی رسانه (بی‌بی‌سی فارسی) مانند استراتژی‌های

بی‌بی‌سی فارسی برای ساخت برنامه در ایران و در دوران انتخابات و سیاست‌های ارتباطی در سطح سردبیری رسانه مانند تکنیک‌های مختلف رسانه‌ای ساخت برنامه. وی در قسمتی از نتیجه‌گیری نهایی اشاره می‌کند که القای دو قطبی غرب‌گرایی «اصلاح‌طلب‌ها» و روس‌گرایی «اصولگراها» از سیاست‌های مهم بی‌بی‌سی فارسی است که با توجه به نقش روسیه و غرب در برجام، این موضوع می‌تواند در پژوهش ما نیز مورد بررسی، مطالعه و مورد توجه قرار گیرد. از آنجاکه ما نیز به دنبال تحلیل گفتمان بی‌بی‌سی فارسی در پوشش اخبار کاهش تعهدات برجای ایران هستیم این مقاله می‌تواند کمک قابل توجهی به ما کند.

مهدی هوشیار در مقاله‌ای که با همکاری سید محمدمهدی زاده در سال ۱۳۹۹ با عنوان «چارچوب سازی و گفتمان سازی رسانه‌ها در پوشش اخبار» در فصلنامه میان‌رشته‌ای ارتباطات و رسانه به چاپ رسانده است، سایت بی‌بی‌سی فارسی را مورد مطالعه قرار داده است. وی در این مقاله از روش پژوهش تحلیل گفتمان با استفاده از رویکرد ون دایک استفاده است که این مقاله هم از نظر روش پژوهش و هم از نظر بررسی گفتمان سازی در سایت بی‌بی‌سی فارسی با پژوهش ما مشابهت دارد. وی در این مقاله به این نتیجه رسیده است که بی‌بی‌سی فارسی در بیان و انعکاس اخبار مربوط به کشور تونس، در یک «چارچوب متناقض جنگ و صلح» رسانه‌ای، گفتمان‌های غالبی همچون مصلحت‌اندیشی و ترجیح (حفظ منافع)، تسری و مردم‌انگیزی، اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و درنهایت، گفتمان‌گرایی به دموکراسی غربی را به کار گرفته است. گفتمان‌هایی که انگاره‌های غالبی مانند قدرت‌طلب و اعمال‌کننده سیاست‌های منفعت‌طلبی کشورهای غربی، اسلام‌تروریست و بنیادگرا، وحدت و اشتراک کشورهای اروپایی-عربی در مسائل بین‌المللی را در دل خود پرورانده‌اند. این پژوهش نیز به بررسی و مطالعه گفتمان سایت بی‌بی‌سی فارسی پرداخته است که نتایج آن به ما در شناخت گفتمان این سایت در موضوع مورد مطالعه کمک خواهد کرد.

فردین رحمانی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه صداوسیما با عنوان «تحلیل گفتمان اخبار بی‌بی‌سی فارسی و شبکه خبر ج.ا.ا. درباره حادثه منا» در سال ۱۳۹۵ به «مقایسه گفتمان خبری مسلط و رویکرد شبکه‌های بی‌بی‌سی فارسی و شبکه خبر صداوسیما در

❖ اخبار حادثه منا» پرداخته است. وی در پایان‌نامه مذکور به این نتیجه رسیده است که: در شبکه خبر گروه خودی خواستار بررسی ابعاد فاجعه منا، پیگیری وضع زائران ایرانی، حفظ کامل حرمت حجاج ایرانی، روشن شدن واقعیت توسط کمیته حقیقت‌یاب و پیگیری حقوقی فاجعه منا هستند و رعایت ادب اسلامی و حرمت برادری در دنیای اسلام را کرده‌اند و از خود خویشتن‌داری نشان داده‌اند و گروه دیگری با تأمین نکردن امنیت حجاج و عدم انتشار آمار رسمی مجروحان و کشته‌شدگان در مقابل انجام وظیفه بی‌مسئولیتی را پیشه کردند. مسئولیت حادثه منا را قبول نکردند، با فرافکنی و گریز از مسئولیت و همچنین رویکرد مداخله مسلحانه در سوریه و یمن باعث گسترش افراط‌گرایی و بی‌ثباتی در منطقه می‌شود. شبکه بی‌بی‌سی فارسی دو سطح گفتمان آشکار و پنهان دارد. در سطح گفتمان آشکار، گفته‌های مقامات ایرانی را با شک و تردید همراه می‌کند و اعتبار آن‌ها را زیر سؤال می‌برد تا ضمن غیرقابل‌اعتماد دانستن ایرانی‌ها، آن‌ها را پنهان‌کار و زائران ایرانی را عامل بی‌نظمی و سرکش معرفی کند و در مقابل مقامات سعودی را منطقی و مورد اعتبار می‌داند و این امر برآمده از گفتمان «ایران هراسی» بی‌بی‌سی است و در سطح دوم یا سطح پنهان، بی‌بی‌سی بحث استانداردهای ایمنی غربی‌ها را مطرح کرده و معتقد است مسلمانان این استانداردها را رعایت نمی‌کنند و در جایی می‌گوید احتمالاً این استانداردها با قوانین اسلام در مراسم حج مغایرت دارد و بدین صورت اسلام و قوانین آن را منسوخ‌شده و قدیمی معرفی می‌کند که این امر نیز برآمده از گفتمان «اسلام‌ستیزی» بی‌بی‌سی است.

از آنجاکه این پژوهش نیز گفتمان سایت بی‌بی‌سی فارسی در موضوعی مرتبط با ایران را بررسی کرده است می‌تواند به شناخت ما از این سایت در اخبار مربوط به ایران کمک کند.

بتینا موتورا^۱، لتی‌زیا اوستی^۲ و جورجیا ریبونی^۳ در فصل پنجم کتاب «رسانه و سیاست: گفتمان‌ها، فرهنگ‌ها و عادت‌ها» که در سال ۲۰۱۸ توسط انتشارات «دانش پژوهان کمبریج» منتشر شده است، به کمک یک محقق ایرانی به نام فرامرز شادلو به «تحلیل گفتمان انتقادی

۱. Bettina Mottura

۲. Letizia Osti

۳. Giorgia Riboni

اخبار در نسخه انگلیسی و نسخه فارسی بی‌بی‌سی» پرداخته و این دو را با یکدیگر مقایسه کرده‌اند.

این مطالعه نشان می‌دهد که اخبار مربوط به یک موضوع یا رویداد را می‌توان به‌طور متفاوت در زبان‌های متفاوت و در زمینه‌های مختلف (انگلیسی و فارسی) قاب‌بندی کرد و در نتیجه نگرش‌های مختلف را با استفاده از فرضیات و ایدئولوژی‌های ضمنی کدگذاری شده، منتقل کرد.

این تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای نشان می‌دهد که انتخاب‌های زبان، حاصل پیامدهای ایدئولوژیک بسیار مهم است. به‌طوری‌که اساساً فیلترهای قاب‌بندی ایدئولوژیک اخبار، اغلب به‌عنوان یک دست نامرئی عمل می‌کنند که باعث می‌شوند هر متن رسانه‌ای را مغرضانه کنند، حتی زمانی که ظاهراً یک واقعیت یکسان را در نسخه‌های مختلف زبانی از یک رسانه. گزارش می‌کنند.

درواقع استفاده از منابع زبانی مختلف، رویداد خبری مشابه را با تکیه بر فرضیات مختلف و راه‌اندازی تفسیرهای مختلف. به شکل متفاوت قاب‌بندی می‌کند،

با انتخاب عناوین متفاوت از نظر طول، ساختار موضوعی و مقدار اطلاعات داده‌شده، گفتمان به‌وضوح متمایز می‌شود که این به اطلاعات پیش‌فرض دو مخاطب (نسخه انگلیسی و فارسی) بستگی دارد. گفتمان‌ها از نظر انتخاب‌های واژگانی، ساختارهای نحوی و ساختارهای عملکردی نیز متفاوت هستند.

اگر کسی تلاش کند تا منطق اساسی این تفاوت‌ها و تغییرات را پیدا کند، دو عامل مهم پدیدار می‌شوند که ممکن است در تعیین تفاوت بازنمایی‌ها در سراسر زبان‌ها نقش داشته باشند: سازگاری سیاسی و سازگاری مخاطبان. با این حال، تفاوت‌ها ممکن است نه تنها به دلایل ایدئولوژیک، بلکه به دلیل تفاوت‌های روزنامه‌نگاری و به‌طور کلی تر تفاوت‌های فرهنگی بستگی داشته باشد.

با توجه به مدل هافستد^۱ از ابعاد فرهنگی، در برخی از فرهنگ‌ها تمایل به ضمنی‌تر و غیرمستقیم‌تر بودن بیشتر از دیگر فرهنگ‌ها است؛ و این امر بر استفاده از زبان نیز تأثیر

می‌گذارد، چراکه در این صورت تیرهای فارسی ضمنی‌تر از انگلیسی‌ها به نظر می‌رسند. (هافستد، ۲۰۰۵). به‌عنوان یک پژوهش خارجی در حوزه گفتمان سایت بی‌بی‌سی، این پژوهش در شناخت گفتمان بی‌بی‌سی فارسی در مقایسه با نسخه انگلیسی آن می‌تواند ما را به در شناخت گفتمان قابل‌استفاده این رسانه برای مخاطبان داخل ایران بهتر کمک کند.

مهرناز خانجانی با راهنمایی مهدی سمتی در دانشکده ارتباطات دانشگاه ایلنویز شمالی^۱ در آمریکا در سال ۲۰۱۷ پژوهشی با عنوان «پوشش خبری رسانه‌ها و انتخاب منابع اخبار در مباحث سیاست خارجی آمریکا؛ مطالعه موردی توافقنامه ایران (برجام)» انجام داده است. نتایج پژوهش شواهدی قوی از وجود ارتباط بین پوشش اخبار سیاست خارجی آمریکا توسط رسانه‌های آمریکایی و مقام و سمت افراد در دولت آمریکا را نشان داده بود، بعلاوه اینکه ذکر روزنامه‌نگاران غیردولتی به‌عنوان منبع خبری در اخبار تلویزیون نشان از درجه استقلال آن‌ها از مقامات بود.

موضوع این پژوهش که به اخبار برجام را در رسانه‌های مختلف بررسی کرده است می‌تواند ما را در انجام هرچه بهتر پژوهش یاری دهد.

مبانی نظری

نظریه انگاره سازی:

انگاره به معنای گمان، وهم و پندار است. به کوششی که رسانه‌ها برای ساخت واقعیت دلخواه خود، در اذهان مخاطب انجام می‌دهند، انگاره سازی گفته می‌شود.

مبنای اصلی ایجاد شدن انگاره‌ها قدمتی به اندازه تمام زندگی بشریت دارد. امروزه انگاره‌ها حوزه پیرامونی حیات بشری را فراگرفته‌اند و با ایجاد نوعی نگرش‌های مثبت، منفی، تفکر قالبی، و تقریباً خنثی در قبال اتفاقات مختلف ایجاد کرده‌اند. بی‌شک، منشأ و مبدأ تمام انگاره‌ها از یک‌سو به گروه‌های مرجع در اجتماع و از طرفی دیگر برخی منفعت‌جویی‌ها و قدرت‌طلبی‌های موجود برمی‌گردد. خانواده، مدرسه (نظام آموزشی) و رسانه‌ها (نظام فرهنگی) -

۱. Northern Illinois University

سیاسی) عمده‌ترین و مهم‌ترین گروه‌های مرجع برای ساختن انگاره‌ها در افراد جامعه هستند. رسانه‌ها نه تنها مبدأ بلکه خود ابزاری بسیار قوی در این حوزه هستند (گودرزی، ۱۳۸۹: ۵۵).

❖ در انگاره سازی با انعکاس واقعیت روبرو نیستیم بلکه واقعیت‌ها به نحوی دست‌کاری شده اند و به همراه تفسیرهای پنهان ارائه می‌شوند. انگاره سازی نوعی تکنیک و روش معنی سازی در خبر است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۹).

در انگاره سازی پیش‌زمینه‌های ذهنی، روحیات و میزان اعتماد محیطی مخاطبان بسیار اهمیت دارد. درواقع انگاره سازی به ارائه انگاره یا تصویری از شخصیت‌ها، اشیاء، مکان‌ها و رویدادها به مخاطب می‌پردازد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۰).

نظریه گفتمان:

نظریه گفتمان برگرفته از زبان‌شناسی است و متشکل از سه گونه نقش‌گرا، ساختگرا و انتقادی است. در این گونه‌های تحلیل گفتمانی، زبان بزرگ‌تر از گفتمان به شمار می‌آید. دیسکورس با یک نگرش نوین به گفتمان آن را وارد حوزه فلسفه سیاسی کرد. در این نوع نگرش به گفتمان، نه تنها گفتمان بزرگ‌تر از زبان است، بلکه در برگیرنده کل حوزه اجتماع است و بر فاعلان اجتماعی، نظام‌های حقیقت را تحمیل می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت گفتمان، مقوله، پدیده و یا جریانی اجتماعی است، به عبارت دیگر گفتمان بستری است که دارای زمینه‌ای اجتماعی است.

نظریه گفتمان به نقش اعمال و عقاید اجتماعی معنادار در زندگی سیاسی می‌پردازد. این نظریه روشی را که نظام‌های معنایی (گفتمان‌ها) طرز آگاهی یافتن مردم از نقش‌هایشان در جامعه را شکل می‌دهند بررسی می‌کند و به تجزیه و تحلیل شیوه تأثیرگذاری این نظام‌های معنایی یا گفتمان‌ها بر فعالیت‌های سیاسی می‌پردازد. گفتمان‌ها را نباید ایدئولوژی، به مفهوم سنتی و محدود آن (یعنی مجموعه عقایدی که به‌وسیله آن عاملان اجتماعی، اعمال اجتماعی سازمان‌یافته‌شان را توجیه و تشریح می‌کنند) پنداشت. مفهوم گفتمان دربرگیرنده همه انواع اعمال سیاسی و اجتماعی است؛ از جمله نهادها و سازمان‌ها. (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۵۷).

از نظر مک میلان^۱ تحلیل گفتمان یک اصطلاح است که برای مطالعه و بررسی قسمت اعظم زبان مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌طور کلی تحلیل گفتمان شامل تنوع گوناگونی از رویکردها و دیدگاه‌های مختلف است و روش‌های مختلف زیادی دارد.

مک میلان اضافه می‌کند: «تحلیل گفتمان مجموعه‌ای از تئوری‌ها و روش‌ها برای بررسی زبان و کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی است.» (Macmillan, ۲۰۰۶: ۱)

از دیدگاه یول^۲ و براون^۳ «تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد است، بنبر این تحلیل گفتمان نمی‌تواند به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی منحصر باشد، که این صورت‌ها برای پرداختن به آن‌ها در امور انسانی به وجود آمده‌اند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹).

استابز^۴ برای توصیف تحلیل گفتمان سه مشخصه ویژه ذکر می‌کند:

۱. تحلیل گفتمان امری درباره رابطه‌های درونی بین جامعه و زبان است.

۲. تحلیل گفتمان امری است درباره استفاده از زبان، فراتر از محدوده بیان یک جمله.

۳. تحلیل گفتمان امری است که درباره ویژگی‌های گفتاری یا عامل مؤثر ارتباطات روزمره

است (Stubbs, ۱۹۸۳: ۱۳۷)

شیفرین^۵ و استابز^۶ تحلیل گفتمان را این‌گونه تعریف می‌کنند: «تحلیل گفتمان می‌کوشد تا نظام و آرایش فرا جمله‌ای عناصر زبانی را مورد مطالعه قرار بدهد و بنابراین واحدهای زبانی نظیر تبادلات مکالمه‌ای یا متون نوشتاری را مورد بررسی قرار بدهد» (فرکلاف، ۳۷۹: ۱۰).

فوکو درباره گفتمان اضافه می‌کند ما نباید گفتمان را فقط به معنای مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی و یا یک متن طولانی بدانیم بلکه باید آن را به‌عنوان اعمالی در نظر بگیریم که بر اثر ایراد سخن منظم پیرامون موضوعات، موجب به وجود آمدن و شکل دادن به آن موضوعات شود. بر

۱. Macmillan

۲. G. Yule

۳. G. Brown

۴. Stubbs

۵. D. Shiffrin

۶. M. Stubbs

اساس این تعریف، از نظر فوکو گفتمان چیزی است که چیز دیگری را خلق و تولید می‌کند نه آن چیزی که می‌تواند به شکل جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۴).

فوکو گفتمان را غیرقابل تقلیل به زبان، سخن و گفتار می‌داند. از نظر او گفتمان‌ها اعمالی اند که به‌طور نظام‌مند سوژه‌هایی را شکل می‌دهند که خود سخن می‌گویند. در حقیقت، گفتمان‌ها سازنده سوژه‌ها بوده و هویت آن‌ها را شکل می‌دهند، باین‌حال در فرایند پیچیده ساخت سوژه‌ها و پدیده‌ها خود را پنهان می‌سازند. فوکو می‌گوید که گفتمان‌ها نه تنها بر سوژه‌ها و بسترها بلکه بر یکدیگر نیز تأثیر می‌گذارند. (فرقانی، ۱۳۸۲، ص ۶۴).

سوسور کسی است که فوکو از او الهام گرفته است. در واقع فوکو، با الهام گرفتن از مباحث نشانه‌شناسانه سوسور در حوزه عناصر زبانی، پا را از حد فراتر گذاشته و دیدی وسیع‌تر از سوسور نسبت به گفتمان ارائه کرد. وی با طرح دیدگاه‌های خود در زمینه دیرینه‌شناسی و تبارشناسی حوزه جدید گفتمان پست‌مدرن را قالبی جدید بخشید. وی معتقد بود که هر دورانی گفتمان خاص خود را دارد و هر پدیده و حادثه‌ای در درون گفتمان خودش قابل بررسی و تحلیل است. فوکو در زمینه تبارشناسی گفتمان، هر نوع گفتمانی را گرفتار ساختار اجتماعی برآمده از قدرت می‌بیند و تحت تأثیر نیچه قدرت را علت‌العلل همه چیز از جمله معرفت و حقیقت می‌داند. او دیرینه‌شناسی را زمینه‌ای برای مقابله با تاریخ‌نگاری قرار می‌دهد. فوکو زبان و گفتمان را در تبیین رابطه قدرت، دو بخش محوری معرفی می‌کند (فرقانی، ۱۳۸۲: ۶۴-۶۳).

نظریه گفتمان بر نقش زبان در بازنمایی و بازسازی جهان اجتماعی تأکید می‌کند. به عبارتی در واقع، جهان محصول نظریه‌ها و گفتمان‌ها است و همه چیز از طریق گفتمان معنا پیدا می‌کند. مثلاً پس از به وجود آمدن حادثه‌ای طبیعی مردم با توجه به گفتمان‌های مختلف آن را به خشم خدا، سوء مدیریت، خرابی وسایل و ... نسبت می‌دهند و البته دامنه گفتمان به همین معنا بخشی محدود نمی‌شود بلکه مردم بر اساس هر گفتمان خاص تصمیمات متفاوتی و متناسبی با آن گفتمان می‌گیرند.

از دیگر پژوهشگران صاحب نظر در زمینه تحلیل گفتمان، تئون ای. ون‌دایک است. ون‌دایک می‌گوید: «دستور زبان، جملات را زنجیره‌ای از کلمات توصیف می‌کند که بانظم و ترتیب خاصی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. بعضی از این زنجیره‌ها، جمله‌های دستوری و معنادار را

می‌سازند و برخی دیگر خیر». ون‌دایک در ادامه زنجیره‌های کلامی را گونه‌ای از گفتمان منسجم می‌داند که به شکلی منظم به دنبال هم قرار می‌گیرند. از نظر او یک ساختار کلامی باید بتواند شرایط گوناگونی را که گفتمانی بودن زنجیره‌های جملات را موجب می‌شوند به خوبی توضیح دهد (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۶۲).

ون دایک معتقد است وظیفه یا هدف اصلی گفتمان فراهم آوردن توصیفی یکپارچه از این سه بعد اصلی گفتمان است:

در مورد اینکه اصولاً در گفتمان به کدام عناصر باید توجه کرد و سپس اقدام به تحلیل آن نمود دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. عده‌ای مانند لوینسون^۱، بر روش‌شناسی تحلیل، بیشتر از اصل تحلیل تکیه می‌کنند. بعضی دیگر مانند ولوسینف^۲، گفتمان را مقوله‌ای ایدئولوژیک می‌دانند که باید در بستر مضمونی و محتوایی آن در میان افراد و اعضای جامعه، تحلیل شود. زبان‌شناسانی همچون تون. ای. ون‌دایک، آرد دوبوگرانده^۳ و نویسندگان و زبان‌شناسان مکتب پراگ در سال‌های دهه ۱۹۷۰ به‌ویژه جی. فرباس^۴ و اف دانس^۵ مطالعات و بررسی‌های گسترده‌ای در مورد مسائل مربوط به متن و تحلیل آن انجام داده‌اند. در این مطالعات توجه بیشتری به وجه کارکردی جملات و نیز ساختارهای پیام-خبر که حاکی از وجود رابطه تنگاتنگ میان پیام‌ها و مضامین است، شده است و با توجه به چنین مطالعات و بررسی‌هایی است که تحلیل انجام‌شده صورت گرفته است. (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۲).

برجسته‌سازی^۶:

منظور از برجسته‌سازی رسانه‌ها این است که رسانه‌ها، به‌ویژه در اخبار و گزارش‌های خبری و برنامه‌های مستند، این قدرت را دارند که توجه عموم را به مجموعه‌ای از مسائل و موضوعات معین و محدود معطوف سازند و از مسائل و موضوعات دیگر چشم‌پوشی کنند.

۱. Levinson

۲. Volosinov

۳. Beaugrande, R. D

۴. J. Firbas

۵. F. Danes

۶. Agenda-Setting Theory

حاصل کار این می‌شود که بعضی از مسائل خاص توسط بسیاری از مردم در سپهر عمومی و خارج از قلمرو رسانه‌ها به بحث گذاشته می‌شود، درحالی‌که به مسائل و موضوعات دیگر توجه نمی‌شود.

در تعریف دیگری مک‌کامبز می‌نویسد: «نظریه تأثیر رسانه‌های گروهی یک مفهوم وابسته است. مفهومی که یک رابطه مثبت و در حقیقت علی و معلولی را بین آنچه مورد توجه و تأکید ارتباطات جمعی است و آنچه یک‌به‌یک مخاطبان مهم قلمداد می‌کنند، مشخص می‌کند. راجرز و دیرینگ برجسته‌سازی را چنین تعریف می‌کنند: «فرا گردی که به‌وسیله آن رسانه‌های جمعی اهمیت نسبی موضوعات و تأثیرات گوناگون را به مخاطب منتقل می‌کنند» (ویندال و همکاران، ۱۳۷۶، ص ۳۵۳).

برجسته‌سازی در رسانه‌های چاپی و آنلاین دو تفاوت اساسی دارد. تفاوت اول ناشی از انعطاف‌پذیری نسبی شکل‌های ارائه خبر در فضای وب است، به این صورت که وبسایت‌های خبری، مخاطبان را در انتخاب و مصرف اخباری که توسط سردبیران فراهم می‌شود، در سطح بالایی ترغیب می‌کنند. (Carrie Heeter, ۱۹۸۷: ۳۴۱).

در روزنامه‌های چاپی اخبار را از طریق تنظیم کردن خطی سلسله‌ای از داستان‌های خبری به‌صورت بیش‌ترین اهمیت از صفحه اول تا صفحات داخلی ارائه می‌دادند. این روش چینش اخبار خوانندگان را مجاب می‌کرد تا با جستجوی ناکارآمد و صفحه‌به‌صفحه به محتوای خبری موردعلاقه خود دست یابند. در نتیجه، اخباری که خوانندگان روزنامه‌های چاپی به آن‌ها علاقه‌ای نداشته و در جستجوی آن‌هم نبودند به‌طور ناخواسته در برابر آن‌ها قرار می‌گرفت؛ اما روزنامه‌های آنلاین، برخلاف روزنامه‌های سنتی و چاپی، اخبار را در طبقه‌بندی‌های مخصوص قرار داده و خیلی سریع دسترسی خوانندگان را به آن خبرهایی که اولویت‌های انتخابی و اطلاعات موردعلاقه آن‌ها را پاسخ می‌دهند، میسر می‌سازد (Dozier & Rice ۱۹۸۴: ۱۰۶).

تفاوت دوم این است که اکثر نشانه‌های مورداستفاده برای نشان دادن اهمیت خبر در روزنامه‌های چاپی برای استفاده در فضای آنلاین و وب مناسب نیستند. برای مثال، یک صفحه‌نمایش کامپیوتری و کوچک به نسبت صفحات روزنامه چاپی از امکان تراکم کردن

اطلاعات زیاد تا بزرگ‌تر کردن صفحه‌نمایش برای مشاهده جزئی و بزرگ یک صفحه از مطالب خبری برخوردار است که این خود امکان نمایش یک تیتراژ خبری بزرگ با همه جزئیات و نشانه‌های مورداستفاده در آن را فراهم می‌کند (۱۸۳: ۲۰۰۲، Althaus & Tewksbury).

نظریه ایدئولوژی در خبر:

«آلتوسر» فیلسوف فرانسوی، به عنوان یک منتقد غربی، ساختارهای اصلی جوامع سرمایه‌داری را مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد و وسایل ارتباط جمعی نوین و رسانه‌ها را بخشی از ابزارهای سیاسی قدرت حاکم می‌داند. آلتوسر، پلیس، ارتش و سایر نیروهای نظامی، دادگاه‌ها و زندان‌ها و مانند آن‌ها را «دستگاه سرکوبگر دولت» می‌داند و این دستگاه‌ها را از «دستگاه ایدئولوژیک دولت» مانند دانشگاه، خانواده، مدرسه، کلیسا و وسایل ارتباط جمعی و حزب و گروه‌های فشار جدا می‌کند و معتقد است که وسایل ارتباط جمعی و سایر دستگاه‌های ایدئولوژیک، عوامل بازآفرینی و تقویت ایدئولوژی حاکم هستند.

بر مبنای دیدگاه آلتوسر درباره وسایل ارتباط جمعی و نظام حاکم، و با توجه ویژه بر اثرات متقابل نظام حاکم و وسایل ارتباط جمعی و همچنین دریافت‌ها و پذیرش‌های ذهنی و فکری مخاطبان از واقعیت‌های اجتماعی، این نتیجه حاصل می‌شود که تصمیم‌گیران نظام حاکم «دستگاه‌های ایدئولوژیک دولتی» و به ویژه وسایل ارتباط جمعی را، به نوعی مدیریت می‌کنند که قدرت موجود را موجه و مشروع نشان دهند و با اقناع اعتقادات عمومی زمینه تداوم این قدرت ظاهراً مشروع را فراهم سازند.

درباره این موضوع، دکتر مهدی زاده می‌گوید: در واقع «خبر» به عنوان گزارش رسانه‌ها از رویدادها، ساخته و پرداخته مفروضات ایدئولوژیک و گفتمانی مورد نظر نظام حاکم است. اخبار رسانه‌ها معمولاً از یک بستر ایدئولوژیک برخاسته است و همان ایدئولوژی را نیز بازتولید و بازآفرینی می‌کند. در فراگرد «مشاهده، تعبیر، روایت و اشاعه» اخبار به، ایدئولوژی‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی که از آن‌ها برمی‌خیزد، حکم عینی و طبیعی می‌بخشد و در گستره خود، آن‌ها را بازآفرینی می‌کند. در واقع مفهوم بازآفرینی مستلزم وجود یک اصل است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۸).

نظریه چارچوب‌سازی

چارچوب‌سازی یک نظریه ارتباطی و جامعه‌شناسی است. در سال ۱۹۷۴ جامعه‌شناسی به نام اروینگ گافمن مفهوم چارچوب بندی یا چارچوب سازی مطرح شد. گافمن اعتقاد داشت افراد به شکلی فعالانه، با استفاده از «چارچوب‌هایی» که اطلاعات را مشخص، دریافت و شناسایی می‌کنند و برچسب می‌زنند، جهان پیرامون خود را سازمان‌دهی و معنا می‌کنند. (Scheufel & Tewksbury, ۲۰۰۷: ۱۱) از نظر شارحان نظریه چارچوب‌سازی، نظام باورها و کنش‌های سیاسی به‌ویژه رفتارهای جمعی و بحث و گفتگوی عمومی در خلأ شکل نمی‌گیرد؛ بلکه در چارچوب معنایی و گفتمانی که در فرهنگ، تاریخ، تعهدات و وفاداری‌های سیاسی موردپذیرش توده مردم ریشه دارد، پدید می‌آید و طی فرایندی در مناسبات بین گروه‌های متنوع فرهنگی، قدرت و سیاست، معنایی ساخته می‌شود تا توجیه‌کننده نگرش و کنش متقابل آن‌ها باشد. گیتلین (۱۹۸۰) در توصیف نظر گافمن بیان می‌دارد: «ما برای آن‌که واقعیت را درک و مدیریت کنیم و یا به بحث در مورد آن پردازیم، واقعیت را چارچوب بندی می‌کنیم و یا مجموعه و فهرستی از شناخت‌ها و کنش‌ها را برمی‌گزینیم. به دیگر معنا، «چارچوب، نظر و یا طرحی است که معنا می‌دهد» (Gamson & Modigliani, ۱۹۸۷: ۱۴۳)

بر اساس نظریه برجسته‌سازی، رسانه‌ها با تأکید بر برخی موضوعات، افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مک کامبز چارچوب سازی را نسخه پالایش‌شده برجسته‌سازی می‌داند. از این دیدگاه، چارچوب سازی به معنای برجسته کردن برخی جنبه‌های یک موضوع از طریق شیوه‌های مختلف ارائه موضوع و در نتیجه، تغییر رفتارهای مردم در قبال آن است. او این پدیده را سطح دوم برجسته‌سازی می‌نامد (Scheufele & D. Tewksbury, ۲۰۰۷: ۱۴).

رابرت انتمن^۱ از پژوهشگران ارتباطی دانشگاه جرج واشنگتن آمریکا، تأکید کرد که چارچوب‌ها برای جلب توجه افراد به برخی عناصر و توجه نکردن به برخی عناصر دیگر به کار می‌رود. او همچنین بر این باور است که شیوه‌ای که یک موضوع به وسیله آن چارچوب گذاری می‌شود، باید مشخص کند که مردم چگونه یک موضوع را درک و ارزیابی کنند. (Entman, ۱۹۹۳: ۵۱-۵۸)

گیتلین^۱ مفهوم چارچوب را به صورت اجمالی این گونه بیان می‌دارد که «چارچوب‌های رسانه‌ای که عمدتاً ناشناخته و تلویحی هستند، جهان را هم برای روزنامه‌نگارانی که آن را گزارش می‌کنند و هم تا حد زیادی برای ما که به گزارش آن‌ها متکی بوده و اطمینان داریم، سازمان‌دهی و شکل می‌دهند» (Gitlin ۱۹۸۰: ۱۲-۱۵).

بسیاری از نویسندگان، چارچوب‌ها را تعریف کردند؛ اما در مجموع، تعریف چارچوب سازی در عمل گزینش و در یک موضوع برای نمایش خلاصه می‌شود. چارچوب‌ها می‌توانند عاملی در تصمیم سازی همگان باشند (Ghanem. ۱۹۹۷: ۳).

روش پژوهش

یکی از اهداف مهم روش تحلیل گفتمان، رسیدن به رهیافتی انتقادی به متن و کنشگران اصلی آن است. از این رو، این روش رویکردی نقادانه و نسبتاً منفی نگر به متن و مجموعه بافتاری آن دارد. در این روش، تمامی ابعاد و زوایای خلق متن، از دستور زبان گرفته تا تفسیر نگرش‌های کنشگران، مورد بررسی و بازکاوی قرار می‌گیرد. در نتیجه با محور قرار دادن خود متن و لحاظ کردن نظام زمینه‌ای آن، تحلیل و تبیینی از مفاهیم و معانی نهانی و لایه‌های مکتوم متن انجام می‌شود. این لایه‌های نهانی را معانی بین سطری یا میان متنی می‌گویند (گودرزی، ۱۳۸۹).

روش تحلیل محتوا یک روش آماری است لذا این روش یک روش کمی به حساب می‌آید. در برابر این روش، روش تحلیل گفتمان یک روش کیفی است و از اصلاح روش‌های اولیه تحلیل رسانه‌ها به دست آمده است.

و ن‌دایک تمایزات بین رویکرد به گفتمان و تحلیل محتوا را این گونه برمی‌شمارد:

اول، در حالی که در پژوهش‌های ارتباطات جمعی عموماً تحلیل محتوا برای پیدا کردن همبستگی‌ها (یا رابطه‌های) میان این و یا آن ویژگی اغلب محتوا و گاهی سبک پیام‌ها و ویژگی‌های فرستنده- سخنگو یا خواننده انجام می‌شود. اما تحلیل گفتمان به مطالعه و بررسی یک پیام رسانه‌ای به عنوان یک گفتمان تمام‌عیار مستقل می‌پردازد. گفتمان رسانه‌ای به عنوان

شکلی از عمل اجتماعی کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است و آشکار کردن ساختارهای ذاتی در همه سطوح تحصیل، هدفی منطقی به حساب می‌آید.

دومین تمایز این است که، عمدتاً تشریح داده‌های کیفی هدف تحلیل گفتمان است و نه داده‌های کمی. البته معیارهای کمی را می‌توان بر تحلیلی، آشکار از نوع بیشتر کیفی به‌خوبی بنیان نهاد.

سومین وجه تمایز این است که، درحالی‌که تحلیل محتوا بیشتر بر اساس داده‌های محاسبه‌پذیر و مشاهده شدنی مثل واژه‌ها، جمله‌ها، عبارات و یا مشخصه‌های سبک‌شناختی مبتنی است، تحلیل گفتمان به مشخص کردن ساختارهای سطحی برحسب گرامر جدید و ساختارهای معناشناختی شالوده‌ای را هم مورد توجه قرار می‌دهد و فرض‌ها، ارتباط‌ها، دلالت‌ها و راهبردها را نیز مشخص می‌کند. تحلیل گفتمان تلاش می‌کند در قلب نظریه‌های تجربی، قوانین یا اصول اساسی این ساختارها، تولید و درک پیام رسانه‌ای را کشف کند (ون‌دایک، ۱۳۷۸).

تحلیل گفتمان روشی است برای دریافت معنای نهفته در داده‌ها و تحلیل آن‌ها. در این روش، به‌جای مشاهده مستقیم داده‌ها و کنش‌های افراد، معنا مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ و به‌جای استفاده از پرسشنامه و مصاحبه (و سایر ابزار جمع‌آوری اطلاعات)، گفتار و نوشتار پدید آورده شده و پیام‌هایی که مورد تعامل قرار می‌گیرند، مورد توجه و دسته‌بندی و تفسیر و تحلیل قرار می‌گیرند.

همان‌گونه که ملاحظه شد، ون‌دایک به روش تحلیل گفتمان اعتقاد دارد و تحلیل گفتمان در مطالعات علوم انسانی به عنوان یک روش کیفی استفاده می‌شود. چراکه در تحلیل گفتمان به‌جای مقادیر آماری و یا شمارش مقوله‌ها با معناشناسی کاربردی متون سروکار داریم. در یک متن، علاوه بر محتوای اصلی آن، یک محتوای ثانویه نیز متن را در بر گرفته است که می‌توان با استفاده از یک روش پژوهشی که به شناخت دقیق محتوا یا معانی ثانویه متن کمک می‌کند، به برداشت کاملی از این معانی دست یافت. روش تحلیل گفتمان از جمله روش‌های عمده مشاهده اسنادی است که می‌توان متون نوشتاری و شفاهی را با در نظر گرفتن شرایط زمانی آن مورد

تحلیل و ارزیابی دقیق و منظم قرارداد. در این روش پژوهشگر به بازشناسی و واکاوی دستاوردهای اندیشه‌ای انسان‌ها که نوعاً از جنس اسناد و مدارک نوشتاری و شفاهی است، می‌پردازد.

در بحث روش‌شناسی تحلیل گفتمان، ون‌دایک این روش را در دو سطح تحلیلی خرد و کلان مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر ون دایک تحلیل گفتمان از یک طرف بر کنش‌های ارتباطی موضعی، متن و گفتار متمرکز است که این سطح از دیدگاه وی سطح خرد^۱ نام دارد.

او در سطح عمومی تری که سطح کلان^۲ نام دارد، نظام‌های ساختاری گفتمان یا همان نظام‌های پیچیده اجتماعی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی متن را بازشناسی می‌کند. در این سطح، محقق گفتمان کاو، علاوه بر توصیف و تفسیر داده‌ها و متن به تبیین و تحلیل اجتماعی می‌پردازد. به عبارت دیگر، پژوهشگر در سطح خرد الزاماً به تبیین بررسی‌های خود نمی‌پردازد اما در سطح کلان، وارد حوزه تبیین و بررسی روابط کلان نظام‌های اجتماعی و شناخت‌های اجتماعی، قدرت و دسترسی به گفتمان می‌شود. ون‌دایک اعتقاد دارد که هم سطح خرد و هم سطح کلان تحلیل گفتمان، چیزی فراتر از کلمات و عبارات را در نظر می‌گیرند. وی در تحلیل خود دو راهبرد کلی دارد: اول، مثبت نشان دادن گروه خود و دوم، منفی نشان دادن گروه رقیب (دیگری). طبق این دو راهبرد ون‌دایک «ما» و «آن‌ها» را با یکدیگر مقایسه می‌کند (فرقانی، ۱۳۸۲: ۵۱).

ون‌دایک اعتقاد دارد که بازنمایی‌های ذهنی «ها» در مقابل «آن‌ها» در سخنرنان گروهی که معمولاً متمایل به حضور خود یا گروهشان در واژگان مثبت و گروه‌های دیگر (رقیب) در واژگان و توصیفات و تعابیر منفی، در طریقه گفتار و نوشتار یک متن به خوبی مشخص می‌شود. ون‌دایک، معتقد است حتی واضح ترین مسائل دارای یک محتوای معناشناختی است. این حوزه معناشناختی واژگان و مشخصه‌هایی که به «خود» و «دیگری» نسبت داده می‌شود را توجیه می‌کند. علی‌رغم این، چنین واژگان و ویژگی‌های متنی باید برای اقدامات قانع‌کننده

۱. Micro

۲. Macro

دیگر باورکردنی جلوه داده شوند. وی شگردهای معمول برای قانع‌کننده بودن تعابیر و ویژگی‌های متن را به این ترتیب بیان می‌کند:

- ۱- دلیل آوردن؛ که باید ارزیابی منفی از واقعیت را در نتیجه داشته باشد.
- ۲- معانی بیان؛ برجسته سازی اغراق‌آمیز کنش‌های منفی مربوط به «دیگران» و کنش‌های مثبت مربوط به «ما»، برای مثال تکذیب‌ها، حسن تعبیرها، قصور در بیان کنش منفی «ما».
- ۳- سبک واژگان؛ برگزیدن واژه‌های پدیدارای بار معانی منفی یا مثبت است.
- ۴- داستان گویی؛ رویدادهای منفی به گونه‌ای گفته می‌شود که انگار فرد خود آن را تجربه کرده است و همچنین ویژگی‌های منفی رویدادها طوری بیان می‌شود که باور پذیر باشد.
- ۵- در لیدها، تیترها، خلاصه‌ها و ساختارهای انتقالی نحو جمله (اشاره به عوامل منفی در شاخص‌ها و موقعیت‌های موضوعی) و دیگر قلمروهای طرح متون (گزارش‌های خبری) تأکید ساختاری بر کنش‌های منفی «دیگران» دارد.

۶- ذکر مطلب از زبان شاهدان، منابع و کارشناسان معتبر، (فرقانی، ۱۳۸۲، ص ۸۸-۸۷).
ون‌دایک اساساً تحلیل گفتمان را تحلیل ایدئولوژی می‌داند، زیرا طبق بیان او، ایدئولوژی‌ها به‌طور برجسته معرف تفکر عکس‌ها و فیلم‌ها نیست. وی برای تحلیل ایدئولوژی‌ها در رهیافت تحلیلی خود سه بخش قرار داده است؛ تحلیل اجتماعی، تحلیل شناختی و تحلیل گفتمان. تحلیل اجتماعی در حقیقت، بررسی و تحلیل ساختارهای کلان اجتماعی است. تحلیل شناختی، شامل شناخت فرد (فارغ از بافت متن) و شناخت اجتماعی (ارزش‌های اجتماعی مثل صداقت و برابری، ایدئولوژی‌هایی مثل فمینیسم، جنسیت‌گرایی و ...، دانش و معرفت اجتماعی و تکرار فرهنگی) هست. تحلیل گفتمان نیز شامل تحلیل نحوی، واژگان، انسجام موضعی، معناشناختی و معنا کاوی و ... است. (ون‌دایک، ۱۳۸۲) ون‌دایک در تحلیل ایدئولوژی‌ها روی ساختارهای اجتماعی، ساختارهای سازمانی، روابط گروهی و ساختارهای گروهی تأکید می‌کند.

بر اساس مطالب فوق در این تحقیق برای تحلیل و تبیین خبرهای سایت بی‌بی‌سی فارسی در پوشش اخبار مربوط به کاهش تعهدات برجامی ایران و همچنین رسیدن به لایه‌های نهانی متن‌های خبری و کشف نظام ایدئولوژیک حاکم بر آن‌ها از روش پژوهشی تحلیل گفتمان با

رویکرد ون‌دایک، استفاده شده است. علاوه بر این به نظر می‌رسد در رویکرد ون دایک مراحل انجام کار به صورت منظم و مشخص است که در انجام مراحل پژوهش را منسجم‌تر می‌کنند. دیوید کریستال^۱ روش تحلیل گفتمان را در حقیقت زبانشناسی انتقادی تعریف می‌کند. او می‌گوید که: «تحلیل گفتمان رویکردی است که به تجزیه و تحلیل زبان که هدف آن آشکارسازی روابط قدرت پنهان فرآیندهای ایدئولوژیکی در زبانشناسی است، می‌پردازد» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵ ص ۲۲)

استابز^۲ نیز برای توصیف تحلیل گفتمان سه ویژگی ذکر می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. امری است که درباره کاربرد زبان فراتر از حدود بیان یک جمله است.
۲. درباره روابط درونی بین زبان و جامعه است.
۳. درباره ویژگی‌های گفتاری یا عامل مؤثر ارتباطات روزمره است. (Stubbs, ۱۹۸۳: ۱)

در روش تحلیل گفتمان، واحد تحلیل از کلمه فراتر است. واحد تحلیل می‌تواند بر اساس موضوع، شاخص‌ها، اهداف، متغیرها و مؤلفه‌های تحقیق شامل یک جمله، عبارت، بند، صفحه یا متن کامل باشد (وندایک، ۱۳۸۲: ۲۷).

واحد تحلیل در این تحقیق، متن خبرهای انتخاب شده است. هر متن خبر شامل یک بسته خبری در هر صفحه وب است که می‌تواند دربرگیرنده اصل خبر، گزارش و یا تفسیری از خبر باشد. لذا بر اساس رویکرد ون دایک در تحلیل گفتمان، ابتدا همه متون اخبار و گزارش‌ها و تحلیل‌های خبری مربوط به کاهش تعهدات برجامی ایران در سایت بی‌بی‌سی فارسی، در بازه زمانی مورد مطالعه یعنی از روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ تا ۲۰ آبان ماه ۱۳۹۸ به عنوان جامعه آماری، استخراج گردید. در این بازه زمانی ایران در طی چهار گام و مرحله، تعهدات برجامی خود را کاهش داد.

در این پژوهش برای اینکه اخبار و داده‌هایی که مورد پژوهش قرار می‌گیرند به خوبی موضع سایت بی‌بی‌سی فارسی، نسبت به مسئله کاهش تعهدات برجامی ایران را نشان دهند، از

۱. Cristal David

۲. Stubbs

روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. و ما برای انتخاب و نمونه‌گیری اخبار هشت مؤلفه موردنظر ون دایک را معیار قرار دادیم به نحوی که در ادامه بیان خواهند شد.

در نمونه‌های هدفمند یا قضاوتی، پژوهشگر واحدهای نمونه‌گیری را به صورت ذهنی و باهدف قبلی انتخاب می‌کند. ذهنیت و هدف داور است که احتمال انتخاب یک واحد نمونه‌گیری را برای نمونه معین می‌کند. (فرانکفورت و نجمیاس، ۱۳۸۱: ۲۶۴).

با توجه به اینکه در روش‌های کیفی، عموماً، حجم نمونه از طریق یک فرمول یا رابطه آماری به دست نمی‌آید و به عبارتی دیگر چنین امکانی در روش‌های کیفی مانند تحلیل گفتمان وجود ندارد، لذا برای تعیین حجم نمونه، بر اساس قاعده اشباع عمل می‌شود؛ به این صورت که انتخاب نمونه‌ها تا جایی ادامه می‌یابد که انتخاب موارد جدیدتر، اطلاعات متفاوت با موارد پیشین حاصل نکند. ما نیز نمونه‌گیری را تا رسیدن به حد اشباع ادامه دادیم؛ بنابراین از بین ۱۲۲ خبر سایت بی‌بی‌سی فارسی که در بازه زمانی مورد مطالعه به موضوع مورد بررسی این پژوهش پرداخته بود تعداد ۹ خبر انتخاب شد. البته برای توازن بهتر تلاش شد از گام‌های متعدد کاهش تعهدات برجامی حداقل دو خبر انتخاب شود. به عبارتی تقریباً از هر گام کاهش تعهد دو خبر انتخاب شده است.

معیارهای ما در انتخاب این اخبار همان مؤلفه‌های هفت‌گانه گفته‌شده در روش تحقیق است؛ یعنی خبرهایی در اولویت انتخاب قرار خواهند گرفت که این مؤلفه‌ها در آن خبر بارزتر و مشخص‌تر باشد. به علاوه چون گزارش‌های تحلیلی و تفسیری، گفتمان رسانه را مشخص‌تر بیان می‌کند، این نوع اخبار در اولویت قرار گرفتند.

یکی از مراحل اصلی در تحلیل گفتمان، عملیاتی کردن مباحث نظری یا به عبارتی، تعیین متغیرها جهت تحلیل متن و گفتمان است. از آنجایی که این پژوهش برای تحلیل متون کاوی اخبار مربوط به کاهش تعهدات برجامی ایران در سایت خبری بی‌بی‌سی فارسی بر مبنای شیوه تحلیلی و دیدگاه‌های تئون ون دایک سامان یافته است لذا متغیرها و مقوله‌های مورد استفاده عبارت‌اند از: واژگان، افراد و نهادهای مطرح‌شده در متن، استناد یا ذکر شواهد متن، قطب‌بندی یا غیر سازی (ارزش) های نسبت به خود و دیگری، پیش فرض‌ها، دلالت‌های ضمنی (تلقین و تداعی)، مؤلفه‌های اجماع و توافق در متن، گزاره‌های اساسی.

بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان تئون ون دایک متن‌های خبری که از سایت بی‌بی‌سی فارسی انتخاب شده‌اند، در یک فرم مخصوص برای ثبت و استخراج اطلاعات، منظم شدند. این فرم شامل ۱۰ عنوان است: تاریخ خبر و عنوان خبر دو عنوان اولیه هستند که مشخص کننده اطلاعات شناسه‌ای متن خبر هستند، هشت عنوان دیگر مؤلفه‌های مورد نظر ون دایک هستند که این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: افراد و نهادهای مطرح شده در متن، واژگان مثبت و منفی، استناد یا ذکر شواهد متن، پیش‌فرض‌ها، قطب‌بندی یا غیر سازی (ارزش) های نسبت به خود و دیگری، مؤلفه‌های اجماع و توافق در متن، دلالت‌های ضمنی (تلقین و تداعی) و گزاره‌های اساسی.

با استفاده از این فرم و استخراج اطلاعات آن، نظام گفتمانی حاکم بر خبرها مشخص شد و مقولات متنی و درون‌متنی متون خبری نیز به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

واژگان

برای بررسی نظام واژگان بی‌بی‌سی فارسی در خصوص کاهش تعهدات برجامی ایران در بازه مورد مطالعه، واژگان مثبت و منفی استفاده شده برای ایران، آمریکا و سایر طرف‌های برجام، در سه دسته جداگانه مورد مطالعه قرار گرفت که جدول زیر جزئیات بیشتری از واژگان استفاده شده به تفکیک را نشان می‌دهد. این تفکیک سه‌گانه برای مشخص شدن بهتر وضعیت قطب‌بندی خود و دیگری در تمام مراحل پژوهش رعایت شده است تا بتوان مواضع گفتمانی این سایت خبری را بهتر درک کرد.

واژه‌های مثبت استفاده شده برای ایران، خویشتن‌داری و صبر استراتژیک ایران را برجسته کرده که هوشمندانه برای حفظ منافع ملت ایران، با امید و خوش‌بینی به دنبال حفظ برجام با اقتدار است؛ اما تعداد و نوع واژگان منفی استفاده شده برای ایران به گونه ایست که ایران را در فشار اقتصادی و انزوای بین‌المللی توصیف می‌کند که این وضعیت در پی پیگیری برنامه‌های هسته‌ای و موشکی و به عبارتی نوعی خود گزیدگی ایران است. استفاده از واژگانی چون زیر پا گذاشتن تعهدات، نقض برجام، نقض فزاینده ایران را نقض کننده برجام معرفی

می‌کند و عباراتی چون «رویکرد تهاجمی، آرایش جنگی، سرکوب، امنیتی سازی، چکشی، اقدامات خصمانه، خرابکارانه و ...» چهره‌ای منفی از ایران در خبرها به تصویر می‌کشد.

بی‌بی‌سی فارسی در استفاده از واژگان برای آمریکا از عباراتی مثبت چون مصمم، با جدیت، آماده گفتگو، آماده ملاقات و مذاکره و قدرت جهانی استفاده می‌کنند و در کنار آن از واژگانی چون واکنش تند، مخالف سرسخت و مسئول مشکلات و ... نیز استفاده می‌کنند تا با علم به اینکه اولین کشوری که از برجام خارج شده است آمریکا بوده اما با این کشور مخالفت جدی نکرده باشد و درعین حال خود را مقابل آمریکا قرار ندهد. دقیقاً سیاستی از انتخاب همین واژگان شروع می‌شود و تا سیاست‌های اجرایی هم پیش می‌رود.

درباره طرف‌های دیگر برجام نیز بی‌بی‌سی فارسی در انتخاب واژگان به نحوی عمل می‌کند که این کشورها را خواهان حفظ برجام و در تلاش و تقلا برای حفظ برجام و به نوعی واسطه بین ایران و آمریکا نشان دهد، واسطه‌ای که خودش گرفتار و دست‌بسته است و ناچار به انجام اقدامات ناکافی است.

جزئیات دقیق‌تر این واژه‌ها را می‌توان در جدول صفحه بعد ملاحظه نمود. واژگانی که نباید انتخاب آن‌ها را بدون حساب و کتاب و بدون هدف دانست.

جدول ۱. نظام واژگان بی‌بی‌سی فارسی در پوشش اخبار مربوط به «کاهش تعهدات برجامی ایران»

بی‌بی‌سی فارسی	نظام واژگان	
حسن نیت، هوشمندانه، اقتدار، اعتبار، خویشتن‌داری، اعتمادسازی، صبر استراتژیک، مجهز، منافع ملت، مصالحه، تنش‌زدایی، امید، خوش‌بینی	مثبت	ایران
اسلحه اتمی، بمب اتمی، محدودیت، تخطی، انزوای بین‌المللی، فشار اقتصادی، تروریستی، هشدار، نگران، رویکرد تهاجمی، آرایش جنگی، سرکوب، امنیتی سازی، چکشی، اقدامات خصمانه، خرابکارانه، مخالفت، پرهیز، بحرانی، زیر پا گذاشتن تعهدات، نقض برجام، نقض فزاینده، وضعیت اقتصادی وخیم، آبروی داخلی آسیب‌دیده، خود گزیدگی، اقدامات بحث‌برانگیز، عقب‌نشینی، عمال نیابتی، کارزار ترور، برنامه موشکی، راه اشتباه، زمین‌گیر	منفی	
اصلاح توافق، شکوفایی اقتصادی، محبوبیت، جدیت، وفادار، مفید، مصمم، آماده گفتگو، توافق بهتر و پایدارتر، آماده ملاقات، سپاسگزار، قدرت جهانی	مثبت	آمریکا
مسئول مشکلات، جنگ تجاری، مقصر، به هم ریختن همه‌چیز، اعمال فشار، باخت، درگیری نظامی، مخالف سرسخت، واکنش تند، مردود، ناتوان در حل	منفی	
همگرایی، همراهی، موفقیت، ابتکار، متعهد، حل اختلاف برجام، خواهان حفظ توافق، تقایم سخت، تلاش‌های دیپلماتیک، جبران تحریم‌ها، کاستن تنش	مثبت	سایر طرف‌های برجام
اقدامات ناکافی، تحمیل تحریم، عدم اقدام درخور، اهرم فشار، نگران، نمی‌توانند، گیر افتاده‌اند، مجبور، ناچار، انفعال و بی‌عملی، موفق نشده، دست‌بسته	منفی	

قطب‌بندی:

در بحث قطب‌بندی خود و دیگری، در طول انجام تحقیق طرف‌های توافق برجام، در سه گروه دسته‌بندی شده است که این دسته‌ها شامل ایران، آمریکا و سایر طرف‌های برجام است. پس از آن در تحلیل واژگان، استنادها، افراد و نهادها، ارزش‌های منتسب به این سه دسته مورد بررسی قرار گرفتند و نتیجه اینکه بی‌بی‌سی فارسی، هرچند مرز بین خود و دیگری را به صورت واضح و مشخص، معلوم نکرده است اما ایران را در مقام «دیگری» قرار داده و سایر

طرف‌ها را «خود» لحاظ کرده است با این ملاحظه که حساب دولت ترامپ و آمریکا را به‌عنوان مشخص‌ترین مخالف برجام، جدا کرده و حتی گاهی بین مواضع ترامپ و نظام آمریکا هم تفاوت قائل می‌شود. ارزش‌های منتسب به این دسته‌ها مطابق جدول زیر است و در واقع از عبارات زیر برای توصیف این دسته‌ها استفاده می‌کند:

جدول ۲. قطب‌بندی

قطب‌بندی	بی‌بی‌سی فارسی
ارزش‌های منتسب به ایران:	<p>– جمهوری اسلامی با حسن نیت وارد توافق هسته‌ای شد و پس از خروج آمریکا نیز با حسن نیت انتظار اقدام سایر کشورهای عضو برجام را داشت</p> <p>– ایران به مدت یک سال به گفته مقامات ایرانی صبر استراتژیک» به خرج داد</p> <p>– اقدام ایران نقض» برجام است.</p> <p>– ایران در پاسخ به فشارها و تهدیدهای فزاینده رویکردی تهاجمی اتخاذ کرده</p> <p>– سیاست ایران برای نقض فزاینده مفاد قرارداد، از نظر تهران راهی است برای فشار به اروپا باهدف سبک کردن تحریم‌های اقتصادی آمریکا.</p> <p>– ایران همچنان از طریق عمال نیابتی خود به کارزار ترور در گوشه و کنار جهان ادامه می‌دهد و می‌خواهد به برنامه موشکی خود ادامه دهد.</p> <p>– میزان صادرات نفت ایران در پایین‌ترین میزان از زمان جنگ ایران و عراق قرارگرفته</p>
آمریکا	<p>– خروج غیرقانونی ایالات‌متحده آمریکا</p> <p>– مسئولیت شکست برجام و هرگونه تبعات احتمالی آن به‌طور کامل بر عهده آمریکا</p> <p>– مقصر دانستن آمریکا و نسبت دادن مسئولیت مشکلات کنونی به دولت ترامپ</p> <p>– جدیت آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن برای اعمال سیاست فشار «حداکثری» بر تهران</p> <p>– آمریکا تحریم‌های قبل از توافق را بازگرداند و حتی تحریم‌های شدیدتری علیه ایران اعمال کرد.</p> <p>– دونالد ترامپ بارها اعلام آمادگی کرده بدون پیش‌شرط با مقام‌های ایران دیدار و گفتگو کند.</p>
اروپا	<p>– تلاش‌های مکرر و چند جلسه مشورت با این کشورها نتیجه موردنظر را در پی نداشته است</p> <p>– همگرایی بیشتر اتحادیه اروپا با ایالات‌متحده بر سر موضوع ایران</p> <p>– ابراز نگرانی شدید از افزایش غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران</p> <p>– اروپایی‌ها می‌خواهند توافق هسته‌ای پابرجا بماند اما بین واشنگتن و تهران گیر افتاده‌اند.</p> <p>– «انفعال و بی‌عملی» اروپا برای حفظ فواید ایران از برجام</p> <p>– اروپا هم به‌عنوان طرف دیگر برجام از اقدامات ایران انتقاد کرده است.</p> <p>– ما ایران را ترغیب می‌کنیم اوضاع را بدتر نکند.</p>

پیش فرض‌ها:

در بررسی اخبار مورد مطالعه، پیش فرض‌های زیر قابل طرح است:

- در سیاست‌های ایران در برجام حسن روحانی تنها ابلاغ کننده بوده است نه تصمیم‌گیری نهایی؛
 - ایران به دنبال ساخت اسلحه اتمی و بمب اتمی بوده است؛
 - بعضی اقدامات ایران نوعی واکنش تزئینی و فرمایشی بوده است؛
 - ایران در انزوای بین‌المللی است و گرفتار فشار اقتصادی است؛
 - چین و روسیه (رقبای آمریکا) در نهایت به دنبال منافع خود هستند و ایران را تنها خواهند گذاشت؛
 - طرف‌های اروپایی به تعهدات خود عمل کرده‌اند اما ایران و آمریکا خیر؛
 - ایران یک تهدید جدی در منطقه برای اسرائیل است؛
 - حکومت ایران در حالت دفاعی محض در قضیه برجام؛
 - احتمال رأی نیاوردن ترامپ در انتخابات دور بعد ریاست جمهوری وجود دارد و ایران و برخی کشورها منتظر فرارسیدن انتخابات هستند؛
 - رعایت تعهدات توسط ایران تا قبل از خروج آمریکا از برجام؛
 - ایران در منطقه به اقدامات تروریستی توسط نیروهای نیابتی اقدام می‌کند.
 - مسئولان ایران در یک موضع متحد درباره برجام نیستند و علاوه بر اختلاف رهبر و رئیس‌جمهور، سه گروه و موضع در مواجهه با برجام وجود دارد؛
 - تصمیمات ترامپ چیزی جدا از سیاست‌های آمریکا است.
- در بررسی مؤلفه تلقین و تداعی، مهم‌ترین تداعی‌های ایجاد شده عبارت‌اند از:
- اختلاف درباره ترجمه فارسی و انگلیسی برجام در رسانه‌های داخلی ایران و اینکه عده‌ای معتقد بودند مذاکره‌کنندگان ایرانی فریب‌خورده‌اند؛
 - سخنان رهبر انقلاب ایران درباره آتش زدن برجام در صورتی که ترامپ برجام را پاره کند؛

- حضور ناوهای هواپیمابر آمریکا در خلیج فارس در زمان‌های گوناگونی که تنش میان ایران و آمریکا بالاگرفته است؛
- خیانت‌های روسیه به ایران در مواقع حساس تاریخی؛
- سابقه نگرانی‌های جامعه جهانی از ساخت و استفاده از بمب‌های هسته‌ای؛
- دستیابی ایران به غنی‌سازی بیست درصد در گذشته نه‌چندان دور؛
- هدف قرار گرفتن پهپاد آمریکایی توسط سپاه پاسداران و تهدیدهای نظامی ایران و آمریکا در گذشته و حتی سقوط هواپیمای مسافربری ایران توسط ناو آمریکا؛
- و همچنین مهم‌ترین تلقین‌های القا شده در اخبار مورد بررسی، عبارت‌اند از:
 - ایران در انزوای بین‌المللی است؛
 - سپاه پاسداران یک سازمان تروریستی است؛
 - مقامات ایران دیگر به انتهای ره رسیده و چاره‌ای جز این اقدامات ندارند؛
 - احتمال دارد ایران رفتارهای غیرمنطقی مانند حمله نظامی به منافع آمریکا انجام دهد لذا آمریکا در حال آماده شدن است. جنگ قریب‌الوقوع است؛
 - ایران نیروهای نیابتی در منطقه دارد که باعث ناامنی منطقه هستند؛
 - اروپا به تعهدات خود عمل کرده است و در مقابل برجام همچنان متعهد است و درعین حال از این شرایط نگران است؛
 - اروپایی‌ها سخت تقلا می‌کنند زمانی که مجبور شوند مرگ برجام را اعلام کنند به تعویق بیندازند؛
 - نگرانی اروپایی‌ها برای احتمال رسیدن ایران به بمب اتم است؛
 - حکومت ایران به حفظ پوسته‌ای از برنامه اتمی گسترده قبلی خود برای مدت‌زمانی مشخص در مقابل حفظ حق غنی‌سازی و رفع تحریم‌ها رضایت داد چون آبروی داخلی آسیب‌دیده است؛
 - حکومت ایران در داخل با انواع فشارهای ناشی از تحریم‌ها و فشارهای سیاسی مواجه شده؛

- بین رهبر ایران و دولت بر سر تصمیم‌گیری درباره برجام اختلاف وجود دارد؛
- ایران به دنبال ساخت بمب اتم است و برجام راه ایران برای دستیابی به سلاح اتمی را طولانی‌تر کرده بود؛
- ایران تحت تأثیر فشارهای مالی مجبور به مذاکره مجدد و امتیازدهی بیشتر خواهد شد؛
- آمریکا در مقام قدرت برتر است و ایران و اروپا توان مخالفت با او را ندارند؛
- سپاه پاسداران ایران که یک نهاد نظامی است مخالف اصلی مذاکرات است لذا اهداف ایران یک اهداف نظامی است؛
- عدم پذیرش مسئولیت در تصمیمات پیچیده از روحیات رهبر ایران است؛
- طرف‌های دیگر برجام می‌خواهند به تعهدات خود عمل کنند اما نمی‌توانند این کار را انجام دهند.

گزاره‌های اساسی:

گزاره‌های اساسی در اخبار مورد مطالعه نیز عبارت‌اند از:

- به‌هرحال، رهبر جمهوری اسلامی به وعده‌اش درباره «آتش زدن» برجام در صورت «پاره کردن» آن از سوی آمریکا عمل نکرد و هنوز نیز پس از یک سال دست به چنین کاری نزده است؛
- تهران آن‌قدر ضعیف شده که هرچه عرصه را بر آن تنگ‌تر کنیم در کام خواهد کشید و پاسخ معناداری نخواهد داد؛
- از زمان بازگشت تحریم‌های آمریکا در پی خروج دولت ترامپ از برجام، استراتژی جمهوری اسلامی برای مقابله با فشار عمدتاً مبتنی بر مقاومت تقابلی در خارج و تشدید امنیتی سازی در داخل بوده است؛
- مایک پومپئو وزیر خارجه آمریکا هم در توییتی گفت: «تازه‌ترین تلاش ایران برای توسعه برنامه هسته‌ای به انزوا و تحریم‌های بیشتر منجر خواهد شد.»؛

- اتحادیه اروپا ضمن ابراز نگرانی شدید از افزایش غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران از این کشور خواست تا بیش از این توافق برجام را نقض نکند؛
- آقای نتانیاهو اقدام ایران را «یک گام خیلی خیلی خطرناک» خوانده است؛
- آقای ترامپ چند روز پیش به ایران هشدار داده بود که تهدیدهایی که دارد مطرح می‌کند، ممکن است باعث شوند تا به اصطلاح در آستین خود ایران بیفتند و جوری گزیده شود که تا به حال سابقه نداشته است؛
- حکومت ایران در قضیه توافق برجام، زمینه خود گزیدگی بزرگی را به‌عمد یا از سر ناآگاهی نادیده گرفت؛
- گام‌های شروع‌شده در هفته‌های اخیر را هم می‌توان از موضع دفاعی محض برای حفظ وجهه داخلی و خارجی و افزایش فشار برای بالا بردن توان چانه‌زنی ارزیابی کرد؛
- آنچه بالا رفتن توان غنی‌سازی ایران را بحث برانگیز و برای بعضی از کشورها نگران‌کننده می‌کند آن است که اگر کشوری بتواند اورانیوم را تا درجه حدود ۵ درصد غنی کند، غنی‌سازی تا درجه‌های بالاتر آسان‌تر خواهد شد؛
- آن‌ها همچنان از طریق عمال نیابتی خود به کارزار ترور در گوشه و کنار جهان ادامه می‌دهند، این‌که به برنامه موشکی خود ادامه می‌دهند و همین دیروز اعلام کردند که بنا دارند تحقیقات و توسعه سیستم سلاح‌های هسته‌ای خود را از سر گیرند؛
- آمریکا بهار سال گذشته برجام را یک‌جانبه ترک کرد و آقای ترامپ می‌گوید بنا دارد با اعمال «حداکثر فشار» بر ایران، این کشور را وادار به مذاکره مجدد بر سر توافقی «بهتر و پایدارتر» کند؛
- ایران گفته اگر اروپا به برجام متعهد بماند و به وعده‌هایش عمل کند تهران به اجرای کامل تعهداتش بازمی‌گردد؛
- «ما (آمریکا) فقط نمی‌خواهیم که آن‌ها (ایران) سلاح هسته‌ای داشته باشند که این خواسته بسیار زیادی نیست»؛

- «می‌خواهم به صراحت بگویم که ما (آمریکا) به دنبال تغییر رژیم (ایران) نیستیم؛ دنبال جلوگیری از تسلیحات هسته‌ای هستیم.»؛
 - حسن روحانی: «اگر بدانم به یک جلسه‌ای بروم و باکسی ملاقات کنم که کشور من آباد می‌شود و مشکلات مردم حل می‌شود من دریغ نخواهم کرد».
- در خصوص مؤلفه‌های اجماع و توافق در متن، یعنی آن چیزی که نویسنده به کار می‌گیرد تا مخاطبان را با خود موافق کند و به اجماع برساند باید گفت که در متون موردبررسی، بی‌بی‌سی فارسی تلاش کرده است با تداعی تنش‌های چندین ساله بین ایران و کشورهای غربی و تلقین خطرناک بودن ایران برای منطقه و حتی نسبت دادن عملیات تروریستی گذشته و اخیر در منطقه به ایران و یا نیروهای مرتبط با ایران، مخاطبان را به این اجماع برساند که هدف ایران از برنامه‌های هسته‌ای دستیابی به سلاح اتمی بوده است اما کشورهای غربی و آمریکا در مقابل این تلاش ایران مقاومت کرده و با اعمال تحریم‌ها و درنهایت توافق برجام مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای شده است و اکنون چون آمریکا سلاح‌های موشکی و سایر اقدامات ایران در منطقه را مانند تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای خطرناک می‌داند، خواهان دستیابی به توافقی جدید و فراگیرتر از برجام است تا بتواند خطر ایران برای منطقه را کنترل کند. از طرفی آمریکا یک قدرت جهانی است که کشورهای اروپایی و سایر طرف‌های برجام تولنایی رویارویی با او را ندارند و هرچند مخالف خروج آمریکا از برجام هستند اما در برابر او دست‌بسته هستند و قادر به انجام اقدامات مؤثر نیستند؛ اما بی‌بی‌سی فارسی کاهش تدریجی تعهدات برجامی توسط ایران را نقض برجام می‌داند و بدون پرداختن به نوع عملکرد سایر طرف‌های برجام و نقش آن‌ها در رسیدن ایران به تصمیم برای کاهش تعهدات خود، این اقدام ایران را نقض برجام معرفی می‌کند که به‌نوعی ایران را متهم اصلی زمین‌گیر شدن برجام می‌داند.

بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی و مطالعه اخبار منتشرشده در بی‌بی‌سی فارسی در بازه زمانی مورد مطالعه در این پژوهش و دقت در داده‌های استخراج‌شده از متن خبرها برای شناخت گفتمان بی‌بی‌سی فارسی در پوشش اخبار کاهش تعهدات برجامی ایران، به این نتیجه می‌رسیم که این سایت خبری با یادآوری و تداعی اختلافات ایران با آمریکا و کشورهای غربی و حتی جنگ میان ایران و عراق و با تلقین دخالت ایران در درگیری‌های موجود در منطقه از جمله جنگ یمن و عربستان، چهره ایران را به‌عنوان عامل اصلی ناآرامی‌ها در منطقه خاورمیانه و تهدیدی برای دنیا بازنمایی کند و تأکید می‌کند که دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای این تهدید را خطرناک‌تر و جدی‌تر خواهد کرد. سایت مذکور، در این مسیر به انگاره سازی نیز می‌پردازد و نیروهای مختلف نظامی را نیروهای نیابتی ایران در منطقه معرفی می‌کند که همه آن‌ها ابزاری برای اعمال نفوذ ایران در منطقه است.

لذا اولین گفتمانی که در متون خبری بی‌بی‌سی فارسی مشهود است گفتمان ایران هراسی است. هراس و ترسی که بارها در خبرها به آن اشاره می‌شود و نگرانی اروپا و سایر طرف‌های برجام از نقض برجام توسط ایران بارها مورد تأکید قرار می‌گیرد. بر اساس همین نگرانی و هراس است که اروپا تلاش می‌کند که ایران در برجام بماند و علی‌رغم تحریم‌های شدید و خروج آمریکا از برجام، اروپا انتظار دارد ایران خویش‌نهادی کرده و به تعهدات خود عمل کند.

بی‌بی‌سی، ایران را در اقداماتش تنها و منزوی معرفی می‌کند و حتی چین و روسیه را همراه با ایران نمی‌داند و معتقد است این رقبای آمریکا هرگز به خاطر ایران، خود را در برابر آمریکا قرار نمی‌دهند؛ بنابراین **ایران منزوی** چیزی است که بی‌بی‌سی به دنبال تثبیت آن در ذهن مخاطبان خود است. انزوایی که در نتیجه تقابل ایران با غرب به وجود آمده است. انزوایی که نتیجه مقابله ایدئولوژیک ایران با دنیاست؛ و همین انزوا و تنهایی باعث شده است که ایران در مقابله با تحریم‌های نتواند اقدام جدی انجام دهد و لذا تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی قرار گرفته و با مشکلات داخلی و خارجی روبرو شود. علاوه بر فشار اقتصادی، اختلاف بین

مسئولان و به‌صورت مشخص اختلاف بین رهبر و رئیس‌جمهور ایران، نکته‌ای است که بی‌بی‌سی به آن معتقد است و سعی می‌کند آن را برجسته کند و معتقد است که اگرچه دولت ایران آماده مذاکره و مصالحه است اما رهبر ایران و حامیان او مخالف و مانع این کار هستند.

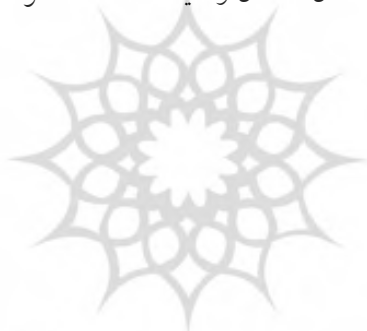
نکته دیگری که بی‌بی‌سی سعی در برجسته‌سازی آن دارد اختلافات داخلی و موضع‌گیری‌های متفاوت بر سر موضوع برجام است. این سایت خبری در تلاش است دولت ایران را در تقابل با رهبر انقلاب بازنمایی کند و کوچک‌ترین اختلاف نظر و یا سلیقه را برجسته کند. در این راستا بی‌بی‌سی اصلاح‌طلبان و حامیان دولت را وابسته به غرب و اصولگرایان و رهبری را وابسته به روسیه و شرق معرفی می‌کند و در هر دو صورت **گفتمان ایران وابسته** را تعریف و تقویت می‌کند؛ و از طریق استقلال ایران یعنی یکی از مهم‌ترین شعارها و اهداف انقلاب ۱۳۵۷ ایران را هدف قرار می‌دهد.

در طرف دیگر این رویداد، آمریکا است. کشوری که کاهش تعهدات برجامی توسط ایران، نتیجه خروج یک‌طرفه او از برجام است؛ اما بی‌بی‌سی فارسی این اقدام آمریکا را بیشتر تصمیم شخص ترامپ می‌داند تا تصمیم نظام حاکم بر آمریکا. در اخبار موردبررسی، آمریکا ابرقدرتی است که اگرچه در رسیدن قصه برجام به اینجا مقصر است اما چون یک ابرقدرت است، کشورهای دیگر نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند با او در تقابل باشند. لذا بی‌بی‌سی در عین حال که به مقصر بودن آمریکا معترف است اما این تقصیر را برجسته نمی‌کند و تلاش می‌کند بیشتر ایران را نقض‌کننده اصلی برجام کند. آنچه مشهود است **گفتمان امپریالیسم** بر بی‌بی‌سی فارسی مسلط است و آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت که کشورهای دیگر در برابر او دست‌بسته و ناچار هستند، پذیرفته شده است.

طرف دیگر برجام‌کشورهایی هستند که برجام را امضا کرده و طرف قرارداد برجام هستند، اما پس از خروج آمریکا از برجام آن‌ها نیز اقدام جدی برای رفع تحریم‌های ایران انجام ندادند و بی‌بی‌سی معتقد است که این کشورها تقلا و تلاش لازم را انجام داده‌اند اما در برابر آمریکا قادر به انجام اقدامات خاصی نبوده‌اند اما در عین حال ایران را به خویشتن‌داری دعوت کرده و نگران نقض برجام توسط ایران بوده‌اند. حتی کشورهایی مانند چین و روسیه نیز که با ایران

همراهی بیشتری دارند ترجیح می‌دهند در این موضوع در برابر آمریکا قرار نگیرند و تلاش کنند طرفین به برجام برگردند. این گروه، تصمیمات ترامپ را چیزی جدای از خواسته نظام حاکم بر آمریکا می‌دانند. بی‌بی‌سی در برابر کارهایی که این گروه می‌توانسته انجام بدهد تا ایران به تعهدات خود باقی بماند، سیاست سکوت را در پیش می‌گیرد و آن‌ها را از هر تقصیری مبرا می‌داند.

با توجه به ادامه مذاکرات برجامی و اتفاقات جدیدی که با تغییر رئیس‌جمهور آمریکا افتاده است و زمینه مذاکرات جدید و یا بازگشت آمریکا به برجام در حال فراهم شدن است پیشنهاد می‌شود ادامه این پژوهش در بازه زمانی فعلی انجام‌شده و این مسئله مشخص شود که با تغییر سیاست آمریکا و احتمالاً بازگشت او به برجام، آیا گفتمان بی‌بی‌سی فارسی در این خصوص تغییر خواهد کرد یا همچنان به همان گفتمان و سیاست‌ها ادامه خواهد داد؟



منابع و مأخذ

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). **تحلیل گفتمان انتقاد**، تهران: علمی و فرهنگی با همکاری دانشگاه تربیت مدرس.
- اسماعیل‌نژاد، معصومه؛ فرهنگی، علی‌اکبر، محمد سلطانی‌فر و عباس عباس‌پور (۱۳۹۹). «**تحلیل گفتمان انتقادی سیاست گذاری ارتباطی بی‌بی‌سی فارسی**»، مطالعات میان رشته‌ای در رسانه و فرهنگ. شماره ۱: ۲۴-۱.
- رایف، دانیل؛ لیسلی، استیفن و فردریک، جی (۱۳۸۱). **تحلیل پیام‌های رسانه‌ای** (ترجمه مهدخت بروجردی علوی) تهران: سروش.
- گودرزی، حسن (۱۳۸۹). **مقایسه گفتمان خبری**، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) و سایت بی‌بی‌سی فارسی در مورد اخبار هسته‌ای (با تأکید بر مسئله ساخت تاسیسات هسته‌ای قم «فردو»). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه صداوسیما.
- دالگران، پیتر (۱۳۸۰). **تلویزیون و گستره عمومی: جامعه مدنی و رسانه‌های گروهی**، انتشارات سروش.
- فرانکفورت، چاوا و دیوید نچمیاس (۱۳۸۱). **روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی**، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضل، تهران: سروش.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). **تحلیل انتقادی گفتمان**، (ترجمه: گروه مترجمان). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۲). **راه دراز گذار (بررسی تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران)**، فرهنگ و اندیشه.
- مهدی‌زاده، محمدمهدی (۱۳۸۷). **رسانه‌ها و بازنمایی**، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۰). «**تصویرسازی منفی رسانه‌های غربی از جهان اسلام و ملل شرق**»، فصلنامه رسانه، شماره ۳: ۲۱-۱۰.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۹). **نظریه‌های رسانه**. تهران: انتشارات همشهری.

مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۳). بازنمایی ایران در مطبوعات غرب: تحلیل انتقادی گفتمان (نیویورک

تایمز، گاردین، لوموند و دیولت ۲۰۰۰-۱۹۹۷ میلادی)، پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

مک کوایل، دنیس (۱۳۸۵). درآمدی بر نظریه‌های ارتباطات جمعی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها

و ندایک، تنونای (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان، از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی، ترجمه

پیروز ایزدی و دیگران، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

ویندال، سورین (۱۳۷۶). کاربرد نظریه‌های ارتباطات، دانشگاه تهران.

هوارث، دیوید (۱۳۷۷). «نظریه گفتمان». ترجمه علی‌اصغر سلطانی، فصلنامه علمی پژوهشی علوم

سیاسی (دانشگاه باقرالعلوم)، شماره ۲: ۱۸۳-۱۵۶.

هوشیار، مهدی و سیدمحمد مهدی‌زاده (۱۳۹۹). «چارچوب‌سازی و گفتمان‌سازی رسانه‌ها در پوشش

اخبار»، فصلنامه میان رشته‌ای ارتباطات و رسانه، شماره ۱: ۱۶۳-۱۲۵.

Gamson WA, Modigliani (۱۹۷۸). The changing culture of affirmative action, In Research in Political Sociology. ed. RD Braungart.

Ghanem, (۱۹۹۷). Filling in the tapestry. The second level of agenda setting. In M. McCombs, D.L. Shaw, & D. Weaver (Eds), Communication and democracy. Mahwah, NJ: Erlbaum.

Stubbs, Michael (۱۹۸۳). Discourse Analysis: The Sociolinguistic Scheufel & Tewksbury (۲۰۰۷). Framing Agenda setting and Priming, Journal of Communication. Vol ۵۷. No ۱

Carrie Heeter, Fico, Frederick, Stan Soffin, and Cynthia Stanley. ۱۹۸۷. "New wave gatekeeping: Electronic indexing effects on newspaper reading." **Communication Research** ۱۴(۳): ۳۳۵-۳۵۱.

Dozier, David., and Ronald E. Rice. (۱۹۸۴). **Rival Theories of Electronic News reading. The new media: ۱۰۳-۱۲۸.**

Althaus, Scott L, and David Tewksbury. (۲۰۰۲). Agenda Setting and the "New" News: Patterns of Issue Importance Among Readers of the Paper and Online Versions of the New York Times. **Communication Research**, ۲۹ ۱۸۰-۲۰۷.

Khanjani, Mehrnaz. (۲۰۱۷). **News Media Coverage and Source Selection in U.S Foreign Policy Debates: The Case of Iran Deal.** PhD diss., Northern Illinois University.

- Macmillan, Katie. (۲۰۰۶). "**Discourse Analysis –A Primer**":
- Entman, RM. (۱۹۹۳). Framing: **Toward Clarification of a Fractured Paradigm**, J. Common.
- Gitlin, T. (۱۹۸۰). **The World Is Watching: Mass Media in the Making and Unmaking of the News**, Berkeley, California: University of California Press.
- Stubbs, Michael. (۱۹۸۳). **Discourse Analysis: The Sociolinguistic Analysis of Natural Language**, Oxford: Basil Blackwell.
- Hofstede, Geert H. (۲۰۰۵). **Cultures and Organizations: Software of the Mind**. New York: McGraw-Hill.
- Bettina Mottura, Letizia Osti and Giorgia Riboni. (۲۰۱۷) **Media and Politics: Discourses, Cultures, and Practices**. Cambridge Scholars Publishing

